

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژان میشل ورنوشه  
برگردان از: حمید محوی  
۳۱ می ۲۰۱۳

## ایران، تخریب ضروری

بخش ۳



ایران- دین سالار نیز باید تخریب شود، نه به این علت که نظام دولتی آن دین سالار است، زیرا مگر نه این است که خود ایالات متحده امریکا - به نوعی - دین سالار پارلمانی بوده و با افتخار بر سر لوحه بت مورد پرستش، بر خدایگان دالر شعار «ما به خدا اعتقاد داریم» (۵) حک کرده است؟

اسرائیل نیز به همین گونه، آیا دین سالار نیست، به این دلیل بارز که تورات، کتاب مقدس عبری در جایگاه قانون اساسی بوده و یکی از مراجع الهام بخش قانون مدنی اسرائیل است، یعنی کشوری که تنها کشیش یهودی واجد صلاحیت قانونی برای اعلام طلاق می باشد. از سوی دیگر، ایران انقلابی، ولی «دموکراتیک» آیا دائماً به شکل انتخابات پارلمانی عمل نمی کند؟

با این وجود همانگونه که پیش از این گفتیم، ایران باید تخریب شود زیرا به خودی خود در تقاطع قدرت های بزرگ واقع شده که برای در اختیار گرفتن منابع انرژی فسیلی یا دست کم تضمین نظارت خود بر آن در تضاد با یکدیگرند. از بخت بد، ایران به عنوان تولید کننده نفت، دومین ذخیره گاز جهان را نیز در اختیار دارد، یعنی همان انرژی که برای تضمین عبور از نفت به انرژی های آینده فراخوانده شده است (مثل باطری با سوخت یا شبکه توربوم که هند خود را برای استفاده از آن آماده می کند). ساده بودن حمل گاز پس از تبدیل آن به مایع مطمئناً از این پس با پایان رسیدن ذخائر هیدروکربور جایگزین خواهد شد و ضامن تداوم منابع خواهد بود. این جایگزینی وقتی تحقق خواهد یافت که عرضه

تولید نفت از درخواست فزاینده و بالا رونده کشورهای نوظهور به سطح نازلتری برسد. و شاید که از هم اکنون به این پیچش تاریخی رسیده باشیم.

ما از روی احساسات حرف نمی زنیم، از «دموکراسی»، حقوق بشر و وضعیت زنان، و تمام شیوه های بیانی که تنها می تواند از طریق کلمات برای ایجاد فضائی مه آلود کاربرد داشته باشد، احساسات خوب و نیت پارسایانه حرف نمی زنیم، زیرا واقعیات جغرافیای سیاسی خیلی بی پیرایه تر از چنین بذل توجهاتی است. یعنی گفتار رسانه ای که به شکل طنز آمیزی چشم انداز جامعه شناختی جوامع اسلامی را به شکل عام و جامعه ایرانی را به شکل خاص با رنگ لعاب دیگری ترسیم می کند. از دید اروپا، مسلمانان غالباً متحجر به نظر می رسند، در حالی که واقعیت چیزی دیگری است و به ویژه کمتر با چنین قالب ها و پیشداوری هائی که در غرب رایج می باشد، تطابق پیدا می کند.

در نتیجه، در این جمهوری اسلامی که غالباً مورد نکوهش قرار می گیرد، زنان جوان به همان اندازه مدرن به نظر می رسند که همکلاس هایشان در شهرهای بزرگ ترکیه. بیمارستانها به چشم تمسخر به شعارهای انسان دوستانه نگاه می کنند، زیرا اعضای پیمان آتلانتیک هستند که به وسیله پهبادهای قاتل (۶ بمباران می کنند - و غالباً در اشکال کور روی اهداف اشتباه (که بعداً آن را خسارت جانبی نامیدند که خیلی خونبار به نظر نرسد و محکمه پسند باشد) - و همین خاطیان به اصطلاح بی تقصیر هستند که وقتی قاچاقچیان مواد مخدر پس از محاکمه در دادگاه رسمی به اعدام محکوم می شوند، خشمشان به جوش می آید - یعنی فروشندگان سمی که موجب مرگ تعداد بیشماری از جوانان اروپائی و باز هم تعداد بیشتری از جوانان روسیه می شود : هر ساله بین ۳۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر. حکمی که بربریت تلقی می شود (چونکه از سوی دادگاه های جمهوری اسلامی صادر شده)، با این وجود در اکثر ایالات امریکا (۳۳ روی ۵۰ ایالت) همین نوع احکام اعدام صادر می شود و رایج است. حقیقت این است که ناتو به ویژه از دیدگاه مقامات روسیه به قاچاق مواد مخدر شهرت دارد. ناتو بین افغانستان و اروپا با عبور از سرزمین فدراسیون روسیه و کشورهای بالکان، کوزوو، به ویژه در مناطقی که بزرگترین پایگاه های نظامی امریکا مستقر شده، پایگاه بوندستیل، در خارج از مرزهای ایالات متحده به قاچاق مواد مخدر اشتغال دارد. ۵ اپریل ۲۰۱۲، الکساندر گروچکو، معاون وزیر امور خارجه روسیه، کشورش را به عنوان آماج جنگ تجاوزکارانه توسط قاچاقچیان مواد مخدر دانست، و رسماً حمل هروئین از خاک روسیه را برای ناتو (پیمان آتلانتیک شمالی) ممنوع اعلام داشت.

اگر تمام دلایلی که در بالا برشمردیم - طمع به منابع ایران، ارتقاء جمهوری اسلامی به عنوان قدرت در منطقه - به عنوان دلایلی که برای توجیه سرنگون سازی رژیم ایران - راه تعویض رژیم - و اگر چنین سیاستی با شکست مواجه شود، به گزینش های سنگین دیگر، و تخریب روشمندان زیربناهای نظامی، صنعتی و دولتی ایران می انجامد، با این حساب که دلیل نهائی موضوع دیگری است. دلیل نهائی اما، در نخستین گام، به ساز و کار بازی بزرگی باز می گردد که در قفقاز، روی بلندی های ایران و در دره های هندوکش برای تسلط بر «ریملاند» (۷)، به عبارت دیگر برای تسلط - مسدود ساختن/تسلط - بر فضای قاره اروپا- آسیا (یا اوراسیا) توسط قدرت های دریا سالار (تالاسوکراتیک) و تاجر انگلیس و امریکا، ایالات متحده، روسیه و چین را در تضاد با یک دیگر قرار می دهد. این ساخت و ساز فراسوی تضاد قدرت های دریائی علیه قدرت های قاره ئی، در نظام جهانی قابل بررسی می باشد، یعنی در حوزه اقتصاد جهانی، بخش جغرافیای سیاسی شمال اتلانتیک، ایالات متحده/اروپا در مقابل اوراسیا روسیه/چین قرار می گیرد!

ایران، و به عبارت دیگر مردم ایران، در این ساعتی که در حال نوشتن می باشیم به شکل جزئی خارج از نظام جهانی به سر می برد - در حاشیه واقع شده -، یعنی در حاشیه نظامی که توسط اقتصاد جزم اندیشانه اولترا لیبرالیسم امریکائی اداره می شود، یعنی نئولیبرالیسمی که به سال ۱۹۶۲ در شیکاگو در فراسوی کتاب «سرمایه داری و آزادی» اثر اصلی برنده جایزه نوبل اقتصادی، میلتون فریدمن پا به عرصه وجود نهاد. میلتون فریدمن مبتکر اصلی برتری و حاکمیت

«سرمایه داری وحشی» معاصر است، او در عین حال پدر ایدئولوژی «آنارکو- کاپیتالیسم» (آنارشسیسم بازار) است که پسر خود او داوید فریدمن آن را گسترش داد، به نوعی معادل آن چه کارل مارکس نظریه پرداز روشن بین در «سرمایه» مطرح کرده است.

ایران تا حدود زیادی با این حوزه معرفت شناختی نئولیبرالیسم مخالف است. فراموش نکنیم که حقوق اسلامی بهره پولی را منع می کند - حتی اگر به نوعی با شیطان بند و بستی صورت بگیرد - و مشخصاً سرمایه داری مدرن اساساً روی قرض و به ویژه قرض با بهره متغیر و ربا خواری بنیانگذاری شده است. علاوه بر این اضافه کنیم که ایران فکر بدی به ذهنش خطور کرد و می خواست «نفت خام» را با پول اروپا یورو یا طلا مبادله کند. پاسخ به چنین راهکاری به طول نینجامید و محاصره نفتی روی فروش هیدروکربور ایرانی طی اول جولای ۲۰۱۲ وارد مرحله اجرائی شد.

روشن است که قابل تحمل نبود که دولتی بتواند الگوی ناپسندی را باب روز سازد و از فرامین و قانونی که بازار دیکته کرده است تبعیت نکند، یعنی مقروض نشدن تا حد غیر قابل تحمل همانگونه که می دانیم دموکراسی غربی با حاکمیت اصل ارسطویی «اموال عمومی» با کمال میل انجام می دهند، و چنین موردی به نظام الیگارشسی انحصاری می انجامد که به خوبی می شناسیم، یعنی گروهی اندک که در مقابل جنایت سازماندهی شده در میدان های بورس توسط کارتل های مالی و مافیایها در تمام انواع و اقسام، یعنی آنهایی که سرنوشت باران و آفتاب را رقم می زنند، و سازماندهنده غارت ملت ها و باج گیری از مردم هستند و سیاره زمین را به بد بختی دچار کرده که به زودی در اثر گسترش صنایع سنگین به بیابان برهوت و بتون تبدیل خواهد شد، و اقیانوس ها نیز بیش از پیش به قاره هائی از زباله و زباله های پلاستیکی شباهت پیدا خواهد کرد که با جریان آب و بلهوسی های آب و هوائی به دور جهان به حرکت درمی آیند، همین گروه اندک هستند که «توده های» ناشناس را به حالت انفعال تنزل داده اند. مطمئناً جملاتی که در بالا نوشته شده می توانست در شرایط عادی و آرام اغراق آمیز به نظر رسد، ولی به شکل ناباورانه ای رسوائی های پی در پی که جهان مالی را متأثر ساخته - بارکلیز، اچ اس بی سی، لیبور (لیبورگیت)، و غیره و غیره - مشخصاً چشم اندازی را که ما ترسیم کردیم تأیید می کند(۸).

بنابراین، «نظم نوین بین المللی» که ایران برای پیوستن به آن به شکل مصرانه ای دعوت شده است، قواعد بازی آن کاملاً از پیش توسط ایالات متحده تعریف شده و هدایت می شود. قواعد همواره جهت گیری یکسانی دارد، و عبارت است از متوقف ساختن دفاع، از جمله دفاع طبیعی و فرهنگی ملت ها برای هضم آنها در دیگ بزرگ جهانی گرا، و چنین امری پس از «عصبانی کردن آنها» به مفهومی که در تکیه کلام قدیمی فرانسوی شنیده می شود، یعنی پس از بی حس کردن و از زندگی تهی ساختن آنها، و باز هم یعنی پس از خنثی سازی آنها از دیدگاه جسمی و روحی و روانی.

چند روز پیش از حمله آمریکا، آیا صدام حسین در مقابل چشمان دیدبانان سازمان ملل متحد، تمام موشک های برد کوتاه خود را از بین نبرد تا حسن نیت خود را عملاً ثابت کند؟ اول مارچ ۲۰۰۳، عراق زیر نظر جامعه بین الملل، مبنی بر توافقات خلع سلاح پس از شکست عراق طی ۲۸ فیرووری ۱۹۹۱، به تخریب موشکهای ال-سمود ۲ اقدام کرد که برد آن فراتر از ۱۵۰ کیلومتر بود. بیست روز بعد، ۲۰ مارچ، انگلستان و امریکا عملیات «آزادی عراق» را آغاز کردند، با نتایجی که می دانیم، دوازده سال زغال آخته برای آزاد شدگان از چنگ دیکتاتور اسبق بعثی.

به همین منوال، قذافی رهبر لیبیا طی سال ۲۰۰۴ از برنامه هسته ئی خود قطع نظر کرد و هم زمان درهای کشورش را به روی شرکت های آنگلو ساکسون گشود، و در سال ۲۰۰۷ پرستاران بلغارستانی را آزاد کرد - به اتهام فانتزیست - که طی هشت سال در خاک لیبیا نگهداشته شده بودند. به تصور این که مورد عنایت های غرب قرار خواهد گرفت، ولی همین دوستان جدید او، آقایان کامرون و سرکوزی هستند که پوست او را تحت پوشش مأموریت «بشردوستانه» با تیغ

ناتو می‌کند. تنها کسانی را که خلع سلاح نکرده‌اند، کوریای شمالی‌ها هستند که واشینگتن از تحریک نامحاطانه آنها خودداری می‌کند، و به سادگی می‌توانیم بدانیم که چرا!

### پی‌نوشت

#### (۵) In God we trust

۶) در جون ۲۰۰۹، نیروی هوایی ایالات متحده رسماً ۱۹۵ فروند پهپاد «پرداتور/ریپر» در اختیار داشت، و نیروی زمینی به سهم خود مدل مرگبارتری به نام «ریپر» (متجاوز)، «اسکای واریور» (پرداتور ب) را در خدمت داشت. آخرین نسخه پرداتور «آوانجر» از دسامبر ۲۰۱۱ عملیاتی شد: به طول سیزده و نیم متر، با عرض ۲۲ متر، این پهپاد می‌تواند ۷۲۰ کیلومتر در ساعت و در ارتفاع ۲۰۰۰۰ متری پرواز کند و ۲۰ ساعت استقلال دارد. این هواپیما می‌تواند ۱۳۰۰ کیلوگرم مهمات حمل کند (موشکهای هیل فایر، جی بی یو ۲۴ پاووی ۳، جی بی یو ۳۱، و جی بی یو ۳۸ جی دی آ ام). از سال ۲۰۰۷، پرواز ربات‌ها خلبان را در مراکز مختلف آریزونا، تگزاس، داکوتا و کالیفرنیا شمالی استخدام کرد. این خلبانان برای هدایت پهپاد از طریق ماهواره به خدمت گرفته شدند. این ماشیناسیون ماهواره‌ئی-جنگ هوایی ربات-پایه در عملیات عراق، افغانستان، پاکستان و سومالی و ایران شرکت داشته است. ایران یکی از این هواپیما را به سال ۲۰۱۱ سرنگون کرد. در خود ایالات متحده ۳۰۰۰۰ پهپاد برای حراست داخلی به خدمت گرفته شده است.

#### (۷) Rimland

ریملاند، مفهومی است که توسط نیکلا اسپیکمن شاگرد جغرافیای سیاسی شناس انگلیسی مک-کیندر، مطرح شد. به معنای پل قاره ای یا راه ابریشم نوین، یعنی نوار میانجی که از مدیترانه شرقی تا خلیج بنگال را بر می‌گیرد و منزوی ساختن توده آسیای قاره را ممکن می‌سازد (مفهومی که خیلی مورد توجه و علاقه مشاور رؤسای جمهور امریکا کارتر و اوپاما، زبیبگنیو برژینسکی بود). فرمول «چه کسی اروپای شرقی را در دست دارد، قلب جهان (هارتلند) را در دست دارد، چه کسی بر قلب جهان تسلط دارد بر جزیره جهانی تسلط دارد، چه کسی بر جزیره جهان تسلط می‌یابد بر جهان تسلط می‌یابد» را به جان مک-کیندر نسبت داده‌اند، که پی‌نوشتی است بر شعار دریانورد مشهور والتر ریلیگ: «چه کسی دریا را در اختیار دارد تجارت جهانی را در اختیار دارد، چه کسی تجارت را در اختیار دارد ثروت جهان را در اختیار خود دارد». بر این اساس، نیکلا اسپیکمن امریکائی نظریه «ریملاند» را گسترش می‌دهد: «چه کسی بر ریملاند تسلط دارد، بر اوراسیا حکومت خواهد کرد، چه کسی بر اوراسیا حکومت می‌کند سرنوشت جهان را رقم می‌زند».

۸) مراجعه شود به لوران ژوفرن در نوول ابسرواتور ۱۸ جولای ۲۰۱۲: «امور مالی یعنی دزدی... اگر بزهکاری مالی نه یک امر غیر عادی در جهان، بلکه یکی از عناصر تشکیل دهنده آن باشد؟»

گاهنامه هنر و مبارزه

۳۰ می ۲۰۱۳